



Short Stories of the Month

داستان‌های کوتاه ماه شهریور

عنوان و نام پدیدآور: داستان‌های کوتاه ماه شهریور = Short Stories of the Month: August • مولف: انتشارات اوارد • ترجمه: الناز اسماعیلی ویراستار: آزاده سیفی • مشخصات نشر: تهران: خانه‌ی کاغذی، ۱۴۰۳ • مشخصات ظاهری: ۴۰ ص: مصور (رنگی)؛ ۱۷ × ۲۴ س.م. شابک: ۵-۶۶-۵۶۶۶-۶۲۲-۹۷۸ • وضعیت فهرست نویسی: فیپا • یادداشت: زبان: فارسی - انگلیسی. یادداشت: این کتاب ترجمه‌ی بخشی از کتاب «365 bedtime stories» است. یادداشت: مخاطب: ۸+ • موضوع: داستان‌های کوتاه انگلیسی Short stories, English شناسه افزوده: اسماعیلی، الناز، ۱۳۶۲-، مترجم • شناسه افزوده: انتشارات اوارد • شناسه افزوده: Award Publications Limited رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴ د شماره کتابشناسی ملی: ۹۸۸۳۹۷۹ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ناشر: خانه‌ی کاغذی

مدیرمسئول: الناز اسماعیلی

عنوان کتاب: داستان‌های کوتاه ماه شهریور

از کتاب 365 Bedtime Stories

مؤلف: انتشارات اوارد award

ترجمه: الناز اسماعیلی

قطع: وزیری. چاپ: سیمرغ. صحافی: تابش

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه - چاپ اول ۱۴۰۴

شابک: ۵-۶۶-۵۶۶۶-۶۲۲-۹۷۸





1

The Hidden Castle

Long ago, there lived a king
who didn't like company.

He wanted to live in his
castle all by himself,
so he sent all his
servants away.

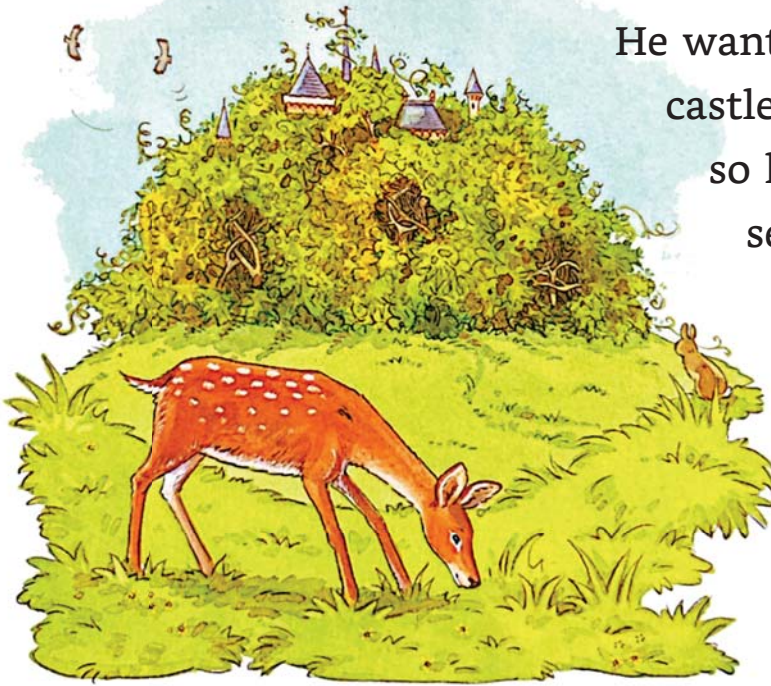
But that meant
he had to do all
the jobs with
no one to help.

He managed
the cooking
and cleaning
quite well, but he

didn't like gardening at all. The flowers and plants
grew bigger and bigger until they had completely
covered the castle and the king couldn't even get out.

Luckily, a little rabbit saw what had happened and
hopped off to tell the queen, who was on holiday at
her sister's. The queen ordered all the servants back to
the castle and soon it was tidied up again.

Then she had a royal shed built in the garden, where
the king could go whenever he wanted to be by
himself.



صفحه ی بعدی ترجمه

قلعه‌ی پنهان



مدّت‌ها پیش، پادشاهی زندگی می‌کرد که از هم‌نشینی با دیگران خوشش نمی‌آمد. او می‌خواست تنها در قصرش زندگی کند، پس همه‌ی خدمتکارانش را مرخص کرد. اما این کار، باعث شد که مجبور شود همه‌ی کارها را خودش انجام دهد، بدون هیچ کمکی.

او توانست آشپزی و نظافت را به‌خوبی مدیریت کند، اما اصلاً از باغبانی خوشش نمی‌آمد. گل‌ها و گیاهان روز به روز بزرگ‌تر شدند تا این‌که سرانجام تمام قصر را پوشاندند و پادشاه، دیگر نتوانست از آن خارج شود. خوشبختانه، یک خرگوش کوچک متوجه ماجرا شد و جست‌وخیزگنان رفت تا به ملکه، که در تعطیلات پیش خواهرش بود، خبر دهد. ملکه به همه‌ی خدمتکاران دستور داد که به قصر برگردند و خیلی‌زود، قصر دوباره مرتّب شد. سپس او دستور داد یک کلبه‌ی سلطنتی در باغ بسازند تا پادشاه هر زمان که می‌خواست تنها باشد، به آن‌جا برود.



Winsome Witch

Winsome Whittle
thinks herself a very
modern witch.

She never dresses
in black and her cat
is, well... a dog! So when
her broomstick broke, she
decided she would replace it
with something more modern. The other
witches were very surprised when Winsome flew by on
a vacuum cleaner. "It's much quicker than a broom and
it cleans up better, too!" she said.



وینسوم جادوگر



وینسوم ویتل، خود را جادوگری خیلی مَدِرَن می‌داند. او هرگز لباس سیاه نمی‌پوشد و گربه‌اش، درواقع ... یک سگ است! پس وقتی که جاروی پروازش شکست، تصمیم گرفت آن را با چیزی مَدِرَن‌تر عوض کند. بقیه‌ی جادوگران حسابی تعجب کردند وقتی دیدند **وینسوم** سوار بر یک جاروبرقی از کنارشان عبور کرد! او گفت: «این خیلی سریع‌تر از جاروی دستی است و هم‌چنین بهتر تمیز می‌کند!»



Moths

You usually see moths flying at night,
Trying to find the most brilliant light.
Some are too big, others too bright,
But one will be just perfectly right.

In through the window,
And straight to the glow,
It's easy to see
Where the moths want to go.
So switch off your light,
And soon the moths zoom,
Out into the night,
By the glow of the moon.



شب پره

معمولاً شب‌ها شب‌پره‌ها را در حال پرواز می‌بینی،
در جست‌وجوی درخشان‌ترین نور.
بعضی از نورها خیلی بزرگ‌اند، برخی خیلی تابان،
اما یکی دقیقاً همان نوری است که باید باشد.
از پنجره می‌آیند داخل،
و مستقیم می‌روند به سوی آن روشنایی.
به راحتی می‌شود فهمید
که شب‌پره‌ها به کجا می‌خواهند بروند.
پس چراغ را خاموش کن،
و خیلی زود شب‌پره‌ها پَر می‌کشند،
به دل شب،
زیر نور ماه.

